



مطالعه تطبیقی مواضع چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل در قبال طالبان (۲۰۲۱ و ۲۰۲۵)

محمدرضا سیاوش پور^۱

محمدحسن خانی^۲

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۰۸

^۱. کارشناس ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) mreza.siaavashpour@gmail.com

^۲. دانشیار، گروه روابط بین الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، khani@isu.ac.ir

چکیده

در این پژوهش، مواضع و سیاست‌های چین و روسیه در قبال طالبان پس از سقوط کابل در ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ به صورت تطبیقی بررسی می‌شود. این مطالعه در پی پاسخ به سه پرسش کلیدی است: نخست، چین و روسیه چه انگاره و نگرشی نسبت به طالبان دارند؟ دوم، انتظارات راهبردی این دو قدرت از حکومت جدید افغانستان چیست؟ و سوم، این دو کشور در نگرش و انتظارات خود چه تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر نشان می‌دهند؟ با توجه به نیاز به مطالعات تطبیقی به‌روز و احساس خلا در این حوزه، پژوهش حاضر تلاش دارد با تمرکز بر «نطق‌های رسمی در شورای امنیت سازمان ملل»، ابعاد کمتر دیده‌شده‌ی سیاست خارجی این دو قدرت را واکاوی کند. داده‌های اصلی این مطالعه، نطق‌های نمایندگان و سفرای دو کشور در نشست‌های رسمی شورای امنیت سازمان ملل متحد است. پژوهش حاضر با استخراج و تحلیل مضامین کلیدی در ده نشست منتخب (از شهریور ۱۴۰۰ تا خرداد ۱۴۰۴)، الگوهای محوری سیاست خارجی هر یک از این دو قدرت را شناسایی کرده و تحول این سیاست‌ها را بر اساس روایت‌های بازسازی‌شده تبیین می‌کند. این تحلیل تطبیقی ضمن برجسته‌سازی تفاوت‌های استراتژیک - از جمله تمرکز چین بر امنیت مرزی و همکاری‌های اقتصادی و تأکید روسیه بر ثبات منطقه‌ای و مبارزه با تروریسم - به فهم چگونگی تحول سیاست‌های دو کشور در برابر چالش‌هایی چون حقوق بشر و بی‌ثباتی افغانستان یاری می‌رساند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با وجود پذیرش واقعیت سیاسی جدید افغانستان از سوی هر دو کشور، سیاست‌های چین و روسیه نسبت به طالبان متمایز بوده و مسیر و سرعت سازگاری آن‌ها با این واقعیت تفاوت داشته است. روسیه با رویکردی واقع‌گرایانه و با تأکید بر توان و کنترل امنیتی طالبان، در سال ۱۴۰۴ حکومت جدید افغانستان را به رسمیت شناخت و اولویت‌های ژئوپلیتیکی را بر ملاحظات حقوق بشری ترجیح داد. در مقابل، چین محتاطانه‌تر عمل کرده و با تأکید بر ضرورت هدایت طالبان، ثبات سیاسی و بازسازی اقتصادی افغانستان را بخشی جدایی‌ناپذیر از راهبردهای کلان منطقه‌ای خود تلقی می‌کند.

• واژگان کلیدی

افغانستان، طالبان، چین، روسیه، شورای امنیت سازمان ملل متحد.

مقدمه

افغانستان بیش از چهار دهه (از ۱۹۷۸ تاکنون) درگیر منازعه‌ای مسلحانه و چندمرحله‌ای بوده است. در این منازعه بازیگران مختلفی نقش داشته‌اند؛ از گروه‌های غیردولتی نظیر مجاهدین، طالبان و تشکیلات رادیکال گرفته تا دولت‌های مختلف افغان (از رژیم کمونیستی تا جمهوری اسلامی^۱ و امارت اسلامی^۲). همچنین کشورهای همسایه، به‌ویژه پاکستان، با حمایت از شورشیان نقش فعالی ایفا کرده‌اند. افزون بر این، تمامی قدرت‌های بزرگ جهانی در این درگیری‌ها مداخله کرده‌اند؛ شوروی سابق و ایالات متحده در دوران جنگ سرد نقش‌های کلیدی داشتند و کشورهای مهم مسلمان نیز وارد این رقابت‌ها شدند؛ عربستان سعودی با حمایت مالی از مجاهدین و ایران با پشتیبانی از گروه‌های شیعه و ائتلاف شمال^۳. منازعه افغانستان با استفاده از نیروهای نیابتی و شبه‌نظامی — که کنترل کاملی بر آن‌ها وجود نداشت — پیچیده‌تر شد. نمونه‌های بارز آن، حمایت پاکستان و عربستان از طالبان در دهه ۱۹۹۰ و مداخله آمریکا در مبارزه با القاعده^۴ پس از ۲۰۰۱ است. این وضعیت منجر به چرخه‌ای بی‌پایان از خشونت، آوارگی و بی‌ثباتی اقتصادی شده که همچنان ادامه دارد (Rubin, 2024).

نقطه تحول اساسی در این نبردهای چهل‌ساله، خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان در ۳۰ اوت ۲۰۲۱ (۸ شهریور ۱۴۰۰) بود. با فرمان رئیس‌جمهور بایدن، طولانی‌ترین جنگ آمریکا به پایان رسید (Biden, 2021). ۳۵۰۰ نیروی باقی‌مانده آمریکایی بدون توجه به وضعیت مذاکرات صلح بین‌افغانی یا میزان حملات طالبان، کشور را ترک کردند. این خروج شتاب‌زده، دستاوردهای بیست‌ساله دوران جمهوری را از بین برد و با سقوط کابل، افغانستان مجدداً به دوره امارت اسلامی بازگشت (CFR, 2022). تحلیل‌گران در روزهای پس از تسلط طالبان بر ارگ، بر این باور بودند که مشارکت چین، روسیه و ایران ساختار امنیتی منطقه را تعیین خواهد کرد و این کشورها از افغانستان به عنوان میدانی برای رقابت‌های استراتژیک با ایالات متحده استفاده می‌کنند (Sakhi, 2021) با این حال، چین و روسیه برخلاف خواسته‌های غرب، اولویت‌های متفاوتی در قبال حکومت طالبان دارند (مشعل، ۱۴۰۱).

¹ Islamic Republic

² Islamic Emirate

³ Northern Alliance

⁴ Al-Qaeda

آنچه بیش از همه نگرانی روس‌ها را از تغییرات سریع صحنه سیاست در افغانستان تشدید می‌کرد، نه صرف خروج نیروهای غربی بود و نه قدرت گرفتن مقامات جدید؛ زیرا خروج نظامی آمریکایی‌ها _ با توجه به توافق دوحه (Afghanistan Study Group, 2021)^۱ و افزایش نارضایتی شهروندان آمریکایی از حضور نظامی ارتش این کشور در افغانستان _ برای کرملین قابل پیش‌بینی بود. از سوی دیگر، روسیه برخلاف دوران حامد کرزی (که حاکمیت روسیه بر کریمه را به رسمیت شناخته بود)، روابط چندانی با اشرف غنی نداشت (Weitz, 2022) لذا تحویل قدرت در آگوست ۲۰۲۱ برای آن‌ها لزوماً یک زیان سیاسی محسوب نمی‌شد. نگرانی اصلی روسیه، فقدان دولت مرکزی کارآمد و گسترش ناپایداری، تروریسم و مواد مخدر به آسیای مرکزی بود؛ خطراتی که با تسلیحات به‌جامانده از آمریکایی‌ها شدت می‌گرفت (Stepanova, 2021).

در همین راستا، کرملین با بازنگری در روابط پیشین خود با طالبان، سیاست متفاوتی در پیش گرفت. روسیه در گذشته طالبان را حامی جدایی‌طلبان چپ‌می‌دانست و حتی در دوران وزیر دفاع اسبق، ایوانف، درخواست همکاری ملامعمر را رد کرده (Рында & Козлов, 2021). همچنین ولادیمیر پوتین نخستین رهبری بود که پس از حملات ۱۱ سپتامبر با جورج بوش تماس گرفت و در جنگ علیه تروریسم با آمریکا همکاری کرد (Hoge, 2025). با این حال، پس از دو دهه، روسیه با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای، در ۳ ژوئیه ۲۰۲۵ طالبان را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کرد (Bartosiewicz, 2025). برخلاف برخی از پیش‌بینی‌ها، به‌رسمیت شناختن طالبان به مخدوش شدن شهرت ضد تروریسم مسکو و همچنین از دست رفتن روابط کرملین با کشورهای آسیای مرکزی منجر نشد (داودی و کیانی، ۱۴۰۳، ص. ۲۷). روابط چین با آنچه که طالبان جدید خوانده می‌شود به سال‌ها قبل از سقوط کابل در آگوست ۲۰۲۱ (شهریور ۱۴۰۰) برمی‌گردد. چین در پی تامین منافع خود از طریق ارتباط داشتن با گروه‌ها و جریان‌های مختلف افغانستانی بود (Zhou, 2011). برخی معتقدند ریشه‌های تقویت و گسترش روابط میان جمهوری خلق چین و گروه طالبان، به سال ۲۰۱۴ میلادی بازمی‌گردد، یعنی دورانی که ظهور و بروز شاخه خراسان از دولت اسلامی^۲ در قلمرو افغانستان و مناطق پیرامون آن، به عنوان یک تهدید نوظهور و قابل توجه، صحنه را دگرگون ساخت (van Wieringen & Claustre, 2023, p. 3).

^۱. Doha Agreement

^۲. Islamic State – Khorasan Province (ISKP)

شرقی^۱ یا با نام جدید حزب اسلامی ترکستان^۲ را به عنوان تهدید جدی تروریستی می‌بیند که استان اویغورنشین سین‌کیانگ را بی‌ثبات می‌کند. همسایگی این دو کشور در منطقه مرزی کاشغر-واخان که عمدتاً کوهستانی، صعب‌العبور و دورافتاده است - همراه با حضور نیروهای این جنبش در خاک افغانستان، نگرانی‌های امنیتی پکن را تشدید می‌کند (Ehsan & Seerat, 2023, p. 8). این وضعیت در دوران بحران‌های انتقالی قدرت در افغانستان، فرصت‌های جدیدی برای عملیات نظامی و حملات احتمالی علیه طرح‌های اقتصادی چین فراهم می‌آورد و خطر نفوذ جدایی‌طلبان به سین‌کیانگ را به اوج می‌رساند. بنابر گزارش‌های معتبر، طالبان در بدو به قدرت رسیدن در سال ۲۰۲۱، نیروهای اویغور را از بدخشان به ننگرهار منتقل و از مرزهای چین دور کرده است (Standish, 2021). این امر، بیش از نشان دادن حسن نیت، گویای یک هماهنگی پیشین می‌باشد. دیگر متغیر مهم که وزن قابل توجهی در ارتباطات دوره جدید طالبان و چین برخوردار بوده و هست، ابتکار کمربند و جاده^۳ است. بر خلاف دو مورد پیشین که دغدغه امنیتی محلی چینی‌ها بود، ابتکار کمربند و جاده جهان ایده‌آل چینی را می‌سازد. یک افغانستان باثبات برای این ابتکار یا جاده ابریشم جدید چین که پیوندی برای اتصال چین به خاورمیانه و اروپا است ضروری است (van Wieringen & Claustre, 2023, p. 3). دو نگرانی امنیتی که پیش‌تر بحث شد، مستقیماً به چین و افغانستان مربوط است، در حالی که در بستر ابتکار کمربند و جاده، تحولات جنبه‌ای منطقه‌ای و جهانی می‌یابند. پکن موقعیت جغرافیایی افغانستان را برای اجرای این طرح حیاتی می‌داند. «دو دالان از شش دالان این طرح، یعنی دالان اقتصادی چین-پاکستان^۴ و دالان آسیای مرکزی-آسیای غربی، از همسایگان افغانستان عبور می‌کنند» (Ali, 2024).

چین دست کم ۶۲ میلیارد دلار و صرفاً در زیرساخت‌های مرتبط با این کریدور در پاکستان با هدف پرچمداری ابتکار کمربند و جاده سرمایه‌گذاری کرده است (Siddiqui, 2017). چنین هدف‌گذاری‌ای با فعالیت و عملیات گروه‌های مسلحانه‌ای چون تحریک طالبان پاکستان^۵ و مهم‌تر از آن با احساسات و حملات ضدچینی ارتش آزادی‌بخش بلوچستان^۶ سازگار نیست و به امنیت سرمایه‌گذاری آسیب وارد می‌کند (Muneeb & Usmani, 2025). ارتش آزادی‌بخش

¹. East Turkestan Islamic Movement (ETIM)

². Turkestan Islamic Party (TIP)

³. Belt and Road Initiative (BRI)

⁴. China-Pakistan Economic Corridor (CPEC)

⁵. Tehrik-i-Taliban Pakistan (TTP)

⁶. Balochistan Liberation Army (BLA)

بلوچستان از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۵ بیش از ۲۰ حمله مستقیم به کارگران و پروژه‌های چینی در بلوچستان، به ویژه در چارچوب کریدور اقتصادی چین-پاکستان، انجام داده است که منجر به کشته شدن حداقل ۶۲ شهروند چینی شده است. حملات کلیدی شامل ربودن قطار جعفر اکسپرس در مارس ۲۰۲۵ (با ده‌ها گروگان از کارگران چینی)، بمب‌گذاری در مؤسسه کنفوسیوس کراچی در ۲۰۲۴ (دو کشته)، و انفجار خط لوله گاز در نزدیکی گوادر در می ۲۰۲۵ (سه زخمی) می‌باشند که همگی زیرساخت‌های CPEC را مختل کرده‌اند (Basit, 2025). ظهور و قدرت‌گیری مجدد طالبان برخلاف رضایت روزهای آغازین اسلام آباد، اخیراً به عنوان برخاستن یک برادر بزرگ‌تر و حامی شبه نظامیان مناطق گریز از مرکز پاکستان تلقی می‌شود. بر اساس همین تلقی در سال ۲۰۲۵ تنش‌های مرزی بین دو کشور رخ می‌دهد (Lodhi, 2025).

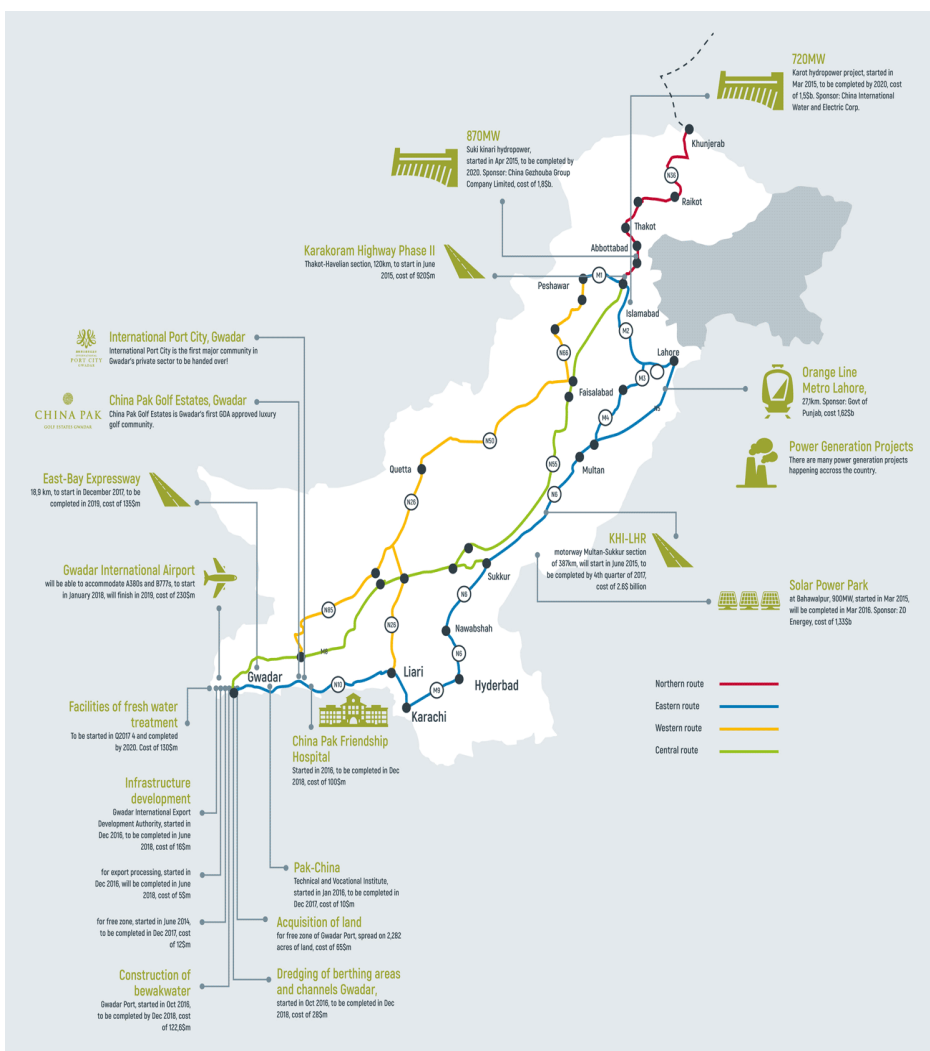
جدول شماره یک- حملات علیه اتباع و منافع چینی بر اساس نوع سازمان

سال حملات	مسلحین قوم گرا- ملی گرا	مسلحین اسلام گرا	بدون ادعای مسئولیت
۲۰۰۴	۱	۲	
۲۰۰۵			
۲۰۰۶	۱		
۲۰۰۷	۱	۲	
۲۰۰۸		۱	۱
۲۰۰۹			
۲۰۱۰			
۲۰۱۱	۱		
۲۰۱۲		۱	
۲۰۱۳		۱	
۲۰۱۴		۱	

			۲۰۱۵
		۲	۲۰۱۶
۱	۱		۲۰۱۷
۱		۲	۲۰۱۸
			۲۰۱۹
۲			۲۰۲۰
۳		۱	۲۰۲۱
		۴	۲۰۲۲
۱		۲	۲۰۲۳
۳		۱	۲۰۲۴
۱۲	۹	۱۶	مجموع

منبع: Iqbal, Shoaib, & Bakhsh, 2024; Muneeb & Usmani, 2025.

تصویر ۱. پروژه‌های کلیدی کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)



منبع: CPIC Global website, 2025.

مقدمه مقاله به صورت آگاهانه طولانی طراحی شده است تا مخاطبان با فرصت‌ها و تهدیدهای اعلامی دو کشور روسیه و چین آشنا شوند و همچنین تحولات میدانی چهار سال اخیر را مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر با روشی که در ذیل آمده است تلاش می‌کند تا

بر اساس نشست‌های شورای امنیت سازمان ملل^۱ به سه پرسش چین و روسیه چگونه به طالبان می‌نگرند، از آن‌ها چه انتظاری دارند و هر یک از این دو کشور در این دو جنبه چه تفاوت‌هایی با دیگری نشان می‌دهند، پاسخ دهد. نویسندگان بر این باورند که برای درک اهمیت و وخامت هر یک از این مسائل – که اغلب در قالب مطالبات یا نشست‌های چندجانبه با حضور طالبان مطرح می‌شوند – نیاز به جمع‌آوری اسناد و تحلیل دقیق آن‌ها وجود دارد و نمی‌توان صرفاً به اخبار یا مقالات علمی و تحلیلی اکتفا کرد. در این زمینه، نطق‌های رسمی دو کشور در شورای امنیت سازمان ملل متحد، یکی از مفیدترین منابع محسوب می‌شوند، زیرا هر دو کشور در این جلسات حضور دارند و متن‌ها از پیش آماده و هماهنگ می‌گردند که این امر امکان مقایسه و تطبیق مواضع آن‌ها را در شرایط یکسان فراهم می‌کند. این نطق‌ها نه تنها در بستر رویدادهای زمانی قرار دارند و نشان‌دهنده فهم هر کشور در همان مقطع هستند، بلکه بیش از هر چیز، تحول در تلقی‌ها و مطالبات دستگاه سیاست خارجی هر یک از این کشورها نسبت به طالبان را پس از گذشت چهار سال به وضوح آشکار می‌سازند.

۱. پیشینه پژوهش

با هدف شناسایی حوزه‌های کمتر کاوش‌شده و تقویت تمایزات تحلیلی، مروری سیستماتیک بر ادبیات موجود در پایگاه‌های علمی با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط انجام شد. با این حال، بررسی‌ها نشان داد که پژوهش‌ها یا مقالاتی که در وهله نخست مستقیماً به موضوع روابط و نحوه تعامل چین و روسیه با طالبان پرداخته باشند و از نظر زمانی با تحولات اخیر منطبق باشند، بسیار اندک بوده و ثانیاً عمده ادبیات موجود به صورت منفک به واکاوی سیاست‌های این دو کشور پرداخته‌اند.

در بررسی ادبیات مرتبط با چین، تحلیل‌ها نشان‌دهنده تغییر پارادایم در سیاست خارجی پکن از رویکردی صرفاً امنیتی به سمت یک راهبرد جامع ژئواکونومیک است. در بحث رقابت‌های کلان قدرت، صانعی، ترابی و رضایی (۱۴۰۱) استدلال می‌کنند که چین بازگشت طالبان را فرصتی راهبردی برای پر کردن خلأ قدرت آمریکا و پیگیری «موازنه نرم» می‌داند تا از طریق ادغام افغانستان در ابتکار «کمربند-جاده»، نفوذ خود را در آسیای مرکزی تثبیت کند. همسو با این دیدگاه، منوری، کشوریان آزاد و صداقتی (۱۴۰۱) نیز معتقدند که پکن با تکیه بر

¹. United Nations Security Council (UNSC)

پیوندهای امنیتی-اقتصادی، در پی گذار به نوعی «مداخله سازنده» در مجموعه امنیتی جنوب آسیا است. در سطحی دیگر، مروتی، احمدی و ذاکریان (۱۴۰۱) بر حرکت به سوی «شراکت استراتژیک» تأکید دارند و بیان می‌کنند که ثبات در افغانستان، علاوه بر مدیریت نگرانی‌های امنیتی، مسیر ریلی چین به اروپا را از طریق ایران هموار می‌سازد. همچنین در جدیدترین تحلیل‌ها، سجادی و مومنی (۱۴۰۳) رویکرد چین را با منطق «نئومرکانتیلیسم» تبیین می‌کنند که در آن امنیت مسیرهای ترانزیت، پیش‌شرطی برای دسترسی به منابع طبیعی و حفظ رشد صنعتی چین تلقی می‌شود.

علاوه بر منابع و پژوهش‌های فارسی، دو اثر انگلیسی‌زبان ذیل نیز قابل توجه است. اقبال و همکاران^۱ (۲۰۲۴) نشان می‌دهند همکاری ضدتروریستی چین و پاکستان از جدایی‌طلبان اویغور به گروه‌هایی مثل تحریک طالبان پاکستان و بلوچ‌ها گسترش یافته و خروج آمریکا از افغانستان این همکاری را پیچیده‌تر کرده است. احسان و صراط^۲ (۲۰۲۳) بیان می‌کنند که چین و افغانستان با وجود محافظه‌کاری پکن در امور داخلی، روابطی عملگرایانه در زیرساخت و معدن دنبال می‌کنند و روابط چین با طالبان در بازتعریف ژئوپلیتیک آسیای مرکزی کلیدی است.

در نقطه مقابل، واکاوی متون پژوهشی پیرامون روسیه، نشان‌دهنده گذار مسکو از «مدیریت تهدید» به «مداخله‌گری فعال» است. داودی و کیانی (۱۴۰۳) استدلال می‌کنند که مسکو با درک خطر سرایت ناامنی به حوزه کشورهای مشترک‌المنافع (CIS)، رویکرد مدیریت تاکتیکی را کنار گذاشته و با چرخشی راهبردی، به دنبال نقش‌آفرینی فعال در روند صلح است تا الگوی مطلوب خود را بر آینده افغانستان حاکم کند. در تبیین ماهیت این تعامل، داودی، کیانی و برزگر (۱۴۰۱) بر رویکرد «عمل‌گرایانه و ابزاری» کرملین تأکید دارند؛ به این معنا که تعامل با طالبان نه یک رابطه دیپلماتیک متعارف، بلکه تاکتیکی هوشمندانه برای استفاده از طالبان به عنوان نیروی بازدارنده علیه داعش و جلوگیری از تبدیل شدن این گروه به اهرم فشار آمریکا علیه امنیت آسیای مرکزی است.

علی‌رغم غنای نسبی ادبیات در بررسی‌های موردی، فقر منابع در حوزه «مطالعات تطبیقی» مشهود است. در بررسی‌های انجام شده، تنها اثر (تاجیک، بغیری، و هاشمی، ۱۴۰۳) یافت شد که به صورت تطبیقی به واکاوی سیاست‌های این دو کشور پرداخته است؛ با این حال، اثر مذکور به دلیل ماهیت کنفرانسی مقاله و محدودیت در پوشش تمام ابعاد تحولات اخیر از جمله

^۱. Iqbal, K.; Shoaib, M.; Bakhsh, S. (2024).

^۲. Ehsan, M. R.; Seerat, R. A. (2023)

به رسمیت شناختن طالبان توسط روسیه، قادر به تبیین کامل وضعیت موجود نیست. بر این اساس، پژوهش پیش‌رو با درک این خلأ مطالعاتی، دارای دو مزیت متمایزکننده است: نخست، ارائه یک تحلیل مقایسه‌ای به‌روز از همگرایی‌ها و واگرایی‌های پکن و مسکو؛ و دوم، تمرکز بر بستری متفاوت یعنی «شورای امنیت سازمان ملل متحد» و تحلیل نطق‌های نمایندگان این دو کشور، که دریچه‌ای نو برای درک نیت واقعی و راهبردهای کلان آنان در قبال افغانستان می‌گشاید.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از یک روش‌شناسی ترکیبی (کمی-کیفی) بهره جسته است. در مرحله نخست، گردآوری داده‌ها به روش اسنادی و با تمرکز بر متون رسمی نشست‌های شورای امنیت انجام شد. در گام دوم، به‌منظور شناسایی الگوهای معنایی زیربنایی، از روش تحلیل مضمون^۱ با رویکردی استقرایی استفاده گردید. در این بخش و با استفاده از روایت‌های بازسازی‌شده، ابتدا فراوانی و زمان‌بندی مضامین در ۱۰ نشست منتخب استخراج شد (بخش کمی) تا نمایی کلی از اولویت‌های تکرارشونده به‌دست آید. سپس، با فراتر رفتن از بیان صرف، مضامین استخراج‌شده بر اساس بستر متن و جایگاه هر کشور، مورد تحلیل تفسیری و کیفی قرار گرفتند. این رویکرد، امکان بررسی تفاوت‌ها در ادراک پدیده‌های واحد (نظیر تروریسم و مشروعیت) را فراهم آورد. به نظر می‌رسد این ترکیب روش‌شناختی، ضمن کمک به ارتقای اعتبار یافته‌ها از طریق کمی‌سازی، زمینه‌ی مساعدی را برای درک پویایی‌های دیپلماتیک و لایه‌های درونی‌تر در سیاست خارجی این دو قدرت فراهم آورد.

۳. گردآوری مضامین و بازسازی روایت

در این پژوهش، بررسی و تحلیل مضامین ۱۰ نطق نمایندگان روسیه و چین در شورای امنیت در دو بازه زمانی ۲۰۲۱ و ۲۰۲۵ انجام شده است تا نظرات و رویکردهای دو کشور نسبت به طالبان به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرند. در هر نطق، مضامین در سه مولفه کلیدی استخراج شده‌اند: تلقی از طالبان، مطالبات از طالبان و ادراک از سایر بازیگران بین‌المللی. انتخاب این سه محور به دلایل زیر صورت گرفته است: اول، این مولفه‌ها به‌خوبی تغییرات رابطه و تعامل دو کشور با طالبان را نشان می‌دهند، دوم امکان مقایسه مستقیم دیدگاه‌ها فراهم

^۱. Thematic Analysis

می‌شود، و سوم، این تحلیل می‌تواند نمایانگر بستر و شرایط بین‌المللی حاکم بر دیدگاه‌ها و رفتارسازی این دو دولت باشد.

پس از استخراج مضامین هر نطق، با توجه به پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های زبان رسمی و دیپلماتیک، روایت‌های جداگانه‌ی روسیه و چین با استفاده از مضامین مولفه اول و دوم و بر اساس مضامین مولفه سوم که در جداول مندرج نیست، بازسازی شده است تا معنا و هدف اصلی هر سخنرانی به شکلی روشن‌تر و منسجم‌تر به تصویر کشیده شود. در پایان هر دوره، پرتکرارترین مضامین و الگوهای کلیدی به دقت تفسیر شده و تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در دیدگاه‌ها و مطالبات از طالبان به نمایش گذاشته شده است. این روش تحلیل مضمون و بازسازی روایت به پژوهشگر کمک می‌کند تا هر دو جنبه کمی و کیفی نطق‌های رسمی را به شیوه‌ای سازمان‌یافته و عمیق بررسی کند و تصویری روشن‌تر از تعاملات دوسویه چین و روسیه با طالبان بر اساس شواهد گفتاری شورای امنیت ارائه نماید.

۳-۱. گردآوری، تحلیل مضامین و بازسازی روایت نطق‌های سال ۲۰۲۱

بعد از تصرف کابل توسط طالبان در ۱۵ اوت ۲۰۲۱ (۲۴ مرداد ۱۴۰۰)، در همان سال مجموعاً هفت جلسه شورای امنیت سازمان ملل با موضوع افغانستان برگزار شد. در این بخش، تمرکز ما بر بررسی دقیق متن پیاپی‌شده و مشروح هر یک از این جلسات به صورت مجزا است. بر اساس این تحلیل، مضامینی کلیدی در قالب سه مولفه اصلی استخراج شده‌اند و در ادامه، با استفاده از همین مضامین، روایت دو کشور مربوطه به صورت مجزا و منسجم شکل گرفته و ارائه می‌شوند.

۳-۱-۱. نشست شماره ۸۸۳۴ شورای امنیت سازمان ملل^۱: روایت بازسازی‌شده چین: ما معتقدیم هرج و مرج کنونی به طور مستقیم ناشی از خروج شتابزده نیروهای خارجی است. بنابراین، از تمامی کشورها می‌خواهیم به تعهدات خود در زمینه مقابله با تروریسم و حمایت از صلح وفادار بمانند. همچنین، جامعه بین‌المللی باید کمک‌های بشردوستانه را افزایش دهد و از عدم مشارکت همسایگان در این فرایند متأسفیم. بر این اساس، مطالبه اصلی ما از طالبان این است که با تشکیل یک دولت اسلامی فراگیر، امنیت شهروندان افغان و نمایندگان خارجی را تضمین کرده و انتقال آرام قدرت را ممکن سازند. همچنین، مهار تروریسم در همه اشکال و

۱. شانزدهم آگوست ۲۰۲۱ / ۲۵ مرداد ۱۴۰۰

مقابله با اقدامات مجرمانه، به علاوه ایجاد یک ساختار سیاسی گسترده و فراگیر برای اتحاد همه طرف‌ها و گروه‌های قومی ضروری است. مهم‌ترین گام، قطع رابطه کامل با تمامی سازمان‌های تروریستی است. در حال حاضر، ما قضاوت مشخصی درباره طالبان اعلام نکرده‌ایم. روایت بازسازی‌شده روسیه: ما ضمن تأیید نقش‌آفرینی ترویکا و پذیرش نقش مهم ایران، نسبت به تهدید منطقه‌ای ناشی از احتمال سرریز فعالیت‌های تروریستی فراتر از مرزهای افغانستان هشدار جدی می‌دهیم. این شرایط امنیتی، رویکرد ما در قبال طالبان را تعیین می‌کند. از این رو، در حال حاضر طالبان را عامل برقرارکننده نظم و امنیت و قابل‌اعتماد در تضمین امنیت کارکنان دیپلماتیک می‌دانیم؛ اما روابط و گام‌های رسمی آینده‌مان با طالبان را منوط به تصمیم‌گیری‌های بعدی و تحولات آتی می‌کنیم (UNSC, 2021a).

۳-۱-۲. نشست شماره ۸۸۳۹ شورای امنیت سازمان ملل^۱: روایت بازسازی‌شده چین: باید تروریسم را بدون هیچ استاندارد دوگانه‌ای محکوم کرد. این موضع، زمینه اصلی دیدگاه ما نسبت به افغانستان است. بنابراین، ما صراحتاً از طالبان می‌خواهیم که در راستای این اصل، قطع کامل ارتباط با تروریست‌ها را انجام دهند. روایت بازسازی‌شده روسیه: ۲۰ سال تلاش در افغانستان با خروج آمریکا و ناتو، در یک لحظه محو شد. همچنین، بار دیگر موضوع عملکرد زندان گوانتانامو را مطرح می‌کنیم. این نقد از عملکرد سایر دولت‌ها و بازیگران، چارچوب مطالبات ما از طالبان را شکل می‌دهد. بر این اساس، از طالبان می‌خواهیم که از خشونت پرهیز کنند و در مسیر حل و فصل مسالمت‌آمیز اوضاع، در فرآیند صلح مشارکت فعال داشته باشند. همکاری ما با نیروهای سیاسی افغانستان مشروط است و تنها با آن گروه‌هایی ادامه می‌یابد که هیچ ارتباطی با گروه‌های تروریستی نداشته باشند (UNSC, 2021b).

۳-۱-۳. نشست شماره ۸۸۴۸ شورای امنیت سازمان ملل^۲: روایت بازسازی‌شده چین: ما معتقدیم که خروج شتابزده و بی‌نظم نیروهای خارجی باعث شرایط نابسامان فعلی شده است. این اقدام‌ها همراه با عدم پذیرش مسئولیت ۲۰ ساله، تحریم‌ها، توقیف دارایی‌ها و جنایات

۱. نوزدهم آگوست ۲۰۲۱ / ۲۸ مرداد ۱۴۰۰

۲. سی‌ام آگوست ۲۰۲۱ / ۸ شهریور ۱۴۰۰

جنگی به شدت قابل انتقاد است. در عین حال، ما مقامات جدید افغانستان را که توانسته‌اند ثبات و عملکرد عادی نهادهای دولتی را حفظ کنند، به رسمیت می‌شناسیم. جامعه بین‌المللی باید با طالبان تعامل کند و راهنمایی‌های لازم را ارائه دهد. ما از طالبان انتظار داریم که ثبات دولت را حفظ کرده، نهادهای حکومتی را نگه دارند و به مسائل اقتصادی از جمله کاهش ارزش پول و گرانی بپردازند. مهم‌ترین خط قرمز، قطع کامل ارتباط با تمامی سازمان‌های تروریستی است و طالبان باید در این زمینه صداقت داشته باشند. مبارزه با تروریسم نباید مبتنی بر استاندارد دوگانه باشد. به این دلایل، ما درباره فوریت و توازن قطعنامه ۲۵۹۳^۱ تردید داشتیم و به آن رأی ممتنع دادیم.

روایت بازسازی‌شده روسیه: ما معتقدیم که شکست ائتلاف غربی و ناتو ناشی از ۲۰ سال حضور بی‌نتیجه آن‌هاست و انتقاد از آن ضرورت دارد. در وضعیت کنونی، مطالبه یا نظری خاصی درباره طالبان نداریم. ما به دلیل خودداری نویسندگان قطعنامه از ذکر سازمان‌های تروریستی بین‌المللی، همچنین به خاطر تأثیر منفی تخلیه متخصصان افغان بر اقتصاد و نفوذ مضر توقیف دارایی‌های افغانستان، به قطعنامه ۲۵۹۳ رأی ممتنع دادیم (UNSC, 2021c).

۴-۱-۳. نشست شماره ۸۸۵۳ شورای امنیت سازمان ملل^۲: روایت بازسازی‌شده چین: ما بر این باوریم که مداخلات نظامی و مدل‌های خارجی در افغانستان به شکست انجامیده‌اند و کشورهای قبلی مسئولیت‌های غیرقابل انکار سیاسی، امنیتی و بشردوستانه در قبال وضعیت افغانستان دارند. دارایی‌های مسدود شده باید متعلق به افغانستان باقی بماند و نباید به اهرم فشار تبدیل شود. در این بستر، طالبان را تشکیل‌دهنده دولت موقت می‌دانیم و انتظار داریم ساختار سیاسی فراگیر ایجاد کنند، سیاست‌های معتدل و محتاطانه‌ای را در داخل و خارج دنبال نمایند، حقوق زنان و کودکان را حفظ کنند و با تروریسم قاطعانه مبارزه کنند و روابط دوستانه با همسایگان را توسعه دهند.

روایت بازسازی‌شده روسیه: ما معتقدیم افغان‌ها مدیریت خارجی را نمی‌پذیرند و فقط خودشان می‌توانند تصمیم‌گیرنده باشند. همچنین باید دسترسی به دارایی‌های مسدود شده در راستای منافع مردم افغانستان فراهم شود و در کنار آن، نیاز به صبر و رویکرد متفکرانه و

^۱. قطعنامه ۲۵۹۳، طالبان را به دلیل استفاده از خاک افغانستان برای فعالیت‌های تروریستی محکوم می‌کند و خواستار تضمین امنیت غیرنظامیان و عملیات بشردوستانه است.

^۲. نهم سپتامبر ۲۰۲۱ / ۱۸ شهریور ۱۴۰۰

متعادل وجود دارد تا اشتباهات گذشته تکرار نشود. در این چارچوب، طالبان را به عنوان تشکیل دهنده دولت سرپرست^۱ و پایان دهنده جنگ می پذیریم و خواستار ساختارهای فراگیر، تضمین حقوق زنان و احترام به حقوق اساسی بشر و حل مشکل تولید و قاچاق مواد مخدر توسط آنها هستیم (UNSC, 2021d).

۵-۱-۳. نشست شماره ۸۸۶۲ شورای امنیت سازمان ملل^۲: روایت بازسازی شده چین: ما طالبان را به عنوان حاکمان موقت و مقامات جدیدی می بینیم که علیه تروریسم وعده داده اند و انتظار داریم که به وعده های خود پایبند بمانند، روابط شان را با گروه های تروریستی قطع کنند و ساختار سیاسی فراگیر و سیاست های معتدل و اثباتی تشکیل دهند. حقوق اقلیت ها باید محترم شمرده شود. از سوی دیگر، نسبت به خروج شتاب زده آمریکا انتقاد داریم، خواهان جبران گذشته توسط آمریکا و متحدان هستیم، از سازمان ملل در کمک رسانی حمایت می کنیم و لغو تحریم ها را درخواست می کنیم.

روایت بازسازی شده روسیه: طالبان را مقامات آماده تعامل می دانیم و بر نقش مثبت آنها در ثبات تاکید داریم. گرچه مطالبات مشخصی مطرح نمی کنیم، اما رأی مثبت خود را به قطعنامه فنی اعلام کرده و از فعالیتهای یوناما حمایت می کنیم. همچنین نسبت به عدم درج تهدیدات تروریستی در قطعنامه ها نگرانی داریم (UNSC, 2021e).

۶-۱-۳. نشست شماره ۸۹۰۸ شورای امنیت سازمان ملل^۳: روایت بازسازی شده چین: ثبات و استقلال دولت افغانستان باید حفظ شود، بنابراین طالبان باید جهت گیری سیاسی میانه رو و فراگیر را ادامه دهد و حقوق اقلیت ها، زنان و کودکان را محترم بشمارد. ما همچنین از طالبان انتظار داریم رابطه خود را با نیروهای تروریستی قطع کند و در توسعه روابط حسن همجواری و همکاری با کشورها بکوشد. در این بستر، نقش سازمان ملل و همکاری کشورهای همسایه کلیدی است و حمایت نهادهای مالی برای بازگرداندن دارایی های مسدود شده ضروری به نظر می آید. روایت بازسازی شده روسیه: طالبان را آماده همکاری عملی می بینیم که نسبت به رهبری قبلی بصیرت بیشتری یافته و در مبارزه با دولت اسلامی و ریشه کنی مواد مخدر مصمم است.

^۱. caretaker Government

^۲. هفدهم سپتامبر ۲۰۲۱ / ۲۶ شهریور ۱۴۰۰

^۳. هفدهم نوامبر ۲۰۲۱ / ۲۶ آبان ۱۴۰۰

طالبان باید دولتی واقعاً فراگیر با سیاست داخلی میانه‌رو و سیاست خارجی دوستانه تشکیل دهد و حقوق اساسی زنان و کودکان را رعایت کند. از دید روسیه، با توجه به بستر حساس فعلی، نیروهای نظامی که ۲۰ سال در افغانستان حضور داشتند باید بیشترین بار بازسازی را بر دوش بگیرند تا ثبات و پیشرفت محقق شود. البته در کنار این، حمایت سازمان ملل و آزادسازی دارایی‌های مالی حیاتی است تا فرایند بازسازی واقعی و موثر پیش برود، بستر این همکاری‌ها هم توسط تروئیکای گسترش‌یافته^۱ تامین می‌شود (UNSC, 2021f).

۷-۱-۳. نشست شماره ۸۹۴۱ شورای امنیت سازمان ملل^۲: روایت بازسازی‌شده چین: ما طالبان را متولیان موقت دولت می‌دانیم که باید عملکرد نهادهای رسمی را حفظ کنند و امنیت و ثبات را تأمین نمایند. در این بستر، ترویج بهبود و بازسازی اولویت دارد و ما به نقش سازمان ملل در این مسیر اعتماد داریم، مخالف تحریم‌های یکجانبه بوده و خواستار بازگرداندن دارایی‌های افغانستان هستیم. از قطعنامه نهایی حمایت می‌کنیم.

روایت بازسازی‌شده روسیه: ما طالبان را مقامات جدید می‌بینیم که باید آمادگی خود برای همکاری را نشان دهند. در زمینه فعلی، معتقدیم باید به قطعنامه پیشنهادی رأی مثبت داده شود، آمریکا باید دارایی‌های افغانستان را بازگرداند و نگرانیم تروریست‌ها ممکن است از کمک‌ها سوءاستفاده کنند. این بستر به ما امکان می‌دهد همکاری و تعامل سازنده را تقویت کنیم (UNSC, 2021g).

۲-۳. گردآوری، تحلیل مضامین و بازسازی روایت نطق‌های سال ۲۰۲۵

به‌منظور تبیین روند شکل‌گیری و تحول سیاست‌های چین و روسیه نسبت به طالبان، در این مطالعه نشست‌های سال ۲۰۲۵ شورای امنیت درباره افغانستان، مشابه با الگوی تحلیل نشست‌های سال ۲۰۲۱، بررسی می‌شوند. تا مقطع گردآوری داده‌ها و نگارش اولیه، سه نشست در سال ۲۰۲۵ تشکیل شده است. در این بخش، تمرکز ما بر بررسی دقیق متن پیاده‌شده و مشروح هر یک از این جلسات به صورت مجزا است. بر اساس این تحلیل، مضامینی کلیدی در

^۱. «تروئیکای گسترش‌یافته» گروهی دیپلماتیک متشکل از نمایندگان ویژه ایالات متحده، روسیه، چین و پاکستان بود که با هدف تسهیل روند صلح افغانستان و حمایت از تشکیل دولتی فراگیر در این کشور فعالیت می‌کرد.

^۲. بیست و دوم دسامبر ۲۰۲۱ / ۱ دی ۱۴۰۰

قالب سه مولفه اصلی استخراج شده‌اند و در ادامه، با استفاده از همین مضامین، روایت دو کشور مربوطه به صورت مجزا و منسجم بر اساس مضامین مولفه سوم شکل گرفته و ارائه می‌شوند.

۱-۲-۳. نشست شماره ۹۸۷۵ شورای امنیت سازمان ملل^۱: روایت بازسازی شده چین: ما طالبان را متولیان موقتی می‌دانیم که با چالش‌های تروریستی درگیرند اما متعهد به مقابله با آن هستند. در این بستر، انتظار داریم طالبان نگرانی‌های بین‌المللی را بپذیرند، حقوق برابر زنان را رعایت کنند و به مقابله با نیروهای تروریستی ادامه دهند. ما از سازمان ملل حمایت می‌کنیم، با تحریم‌های یکجانبه مخالفیم و خواستار آزادسازی دارایی‌های افغانستان از آمریکا هستیم. همچنین انتقاد داریم از اینکه برخی کمک‌کنندگان از کمک انسانی به عنوان ابزار سیاسی سوءاستفاده می‌کنند.

روایت بازسازی شده روسیه: ما طالبان را حاکمان دوفاکتو و قدرت‌مند می‌بینیم که نیازمند گفت‌وگوی صبورانه و تدبیر هستند. در بستر شرایط فعلی، از طالبان انتظار داریم به حقوق زنان و آزادی‌ها احترام بگذارند و دولت فراگیر تشکیل دهند. ما استفاده باج‌گیرانه و فشارهای غرب را نقد می‌کنیم، تحمیل دیدگاه خارجی را رد می‌کنیم و با تحریم‌ها و محدود کردن کمک‌رسانی غرب مخالفیم. همچنین از تمدید مأموریت یوناما حمایت می‌کنیم و نگران سوءاستفاده تروریست‌ها از کمک‌ها هستیم (UNSC, 2025a).

۲-۲-۳. نشست شماره ۹۸۸۰ شورای امنیت سازمان ملل^۲: روایت بازسازی شده چین: ما طالبان را دولت موقت می‌دانیم که باید سیاست‌های محدودکننده را تعدیل کرده و اقدامات قابل مشاهده و پاسخگو انجام دهد. در این بستر، استقبال خود را از تصویب قطعنامه ۲۷۷۷^۳ اعلام می‌کنیم و با حمایت قوی از مأموریت سازمان ملل و مردم افغانستان، از مشارکت سازنده همه بازیگران قدردانی می‌نماییم. تأمین فوری حمایت در توسعه و مبارزه با تروریسم از اولویت‌های ماست.

^۱. دهم مارس ۲۰۲۵ / ۲۰ اسفند ۱۴۰۳

^۲. هفدهم مارس ۲۰۲۵ / ۲۷ اسفند ۱۴۰۳

^۳. قطعنامه ۲۷۷۷ مأموریت سازمان ملل در افغانستان را تا مارس ۲۰۲۶ تمدید می‌کند، بر حمایت از حقوق بشر، به‌ویژه زنان و دختران، و تسهیل کمک‌های بشردوستانه تأکید دارد و خواستار گزارش‌دهی منظم دبیرکل است.

روایت بازسازی شده روسیه: ما طالبان را مقامات دفاکتو می‌دانیم که باید همکاری عمل‌گرایانه با مأموریت یوناما حفظ و وارد گفت‌وگوی متعادل با طرف‌های ذی‌ربط شوند. در این بستر، با رأی به نفع قطعنامه ۲۷۷۷، از تلاش‌ها برای راه‌حل سازش استقبال می‌کنیم و حمایت خود را از تعهد کلی جامعه بین‌المللی به ثبات افغانستان اعلام می‌داریم (UNSC, 2025b).

۳-۲-۳. نشست شماره ۹۹۴۲ شورای امنیت سازمان ملل^۱: روایت بازسازی شده چین: ما طالبان را دولتی موقت می‌بینیم که باید در بستر تعامل سازنده و پایدار، سیاست‌های محدودکننده خود را به تدریج تعدیل کند. انتظار داریم طالبان گام‌های قابل مشاهده و پاسخگو در راستای بهبود شرایط بردارند، به ویژه در زمینه حمایت از حقوق برابر زنان و تقویت اقدامات ضد تروریستی. جامعه بین‌المللی باید با لغو تحریم‌های سفر و بازگرداندن دارایی‌ها کمک‌های مالی را از سر گیرد. ما از تصویب قطعنامه ۲۷۷۷ استقبال می‌کنیم و حمایت کامل خود را از یوناما^۲ و مردم افغانستان اعلام می‌داریم. همچنین قدردان مشارکت سازنده همه بازیگران بین‌المللی در این مسیر هستیم و بر اهمیت تأمین فوری حمایت برای توسعه و مقابله با تروریسم تأکید داریم. روایت بازسازی شده روسیه: ما طالبان را مقامات دفاکتو می‌دانیم که علاقه‌مند به تعامل و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای هستند، اما در مبارزه با مواد مخدر ضعیف عمل می‌کنند. در این بستر، لازم است طالبان همکاری عمل‌گرایانه خود با یوناما را حفظ کرده و دولت فراگیری را تضمین کنند. همچنین تداوم گفت‌وگوی متعادل با مقامات دفاکتو برای ارزیابی واقع‌بینانه وضعیت حیاتی است. ما به قطعنامه ۲۷۷۷ رای داده و از تلاش‌ها برای یافتن راه‌حل سازش حمایت می‌کنیم. ضمن نقد فشارها و سرسختی^۳ اهداکنندگان غربی، بر حمایت از کمک‌های غیرسیاسی و فعالیت‌های یوناما تأکید داریم و تعهد کلی جامعه بین‌المللی به ثبات افغانستان را می‌ستاییم (UNSC, 2025c).

۴. تحلیل تطبیقی مضامین کلیدی و پرتکرار مشترک و غیر مشترک

دولت موقت یا حاکمان جدید (مولفه اول): بر اساس بررسی نطق‌های نمایندگان چین، این کشور تنها در نشست چهارم^۴ از عبارت «مقامات» و «حاکمان جدید» برای طالبان استفاده

^۱. بیست و سوم ژوئن ۲۰۲۵ / ۲ تیر ۱۴۰۴

^۲. هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان / The United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA)

^۳. stubborn

^۴. نهم سپتامبر ۲۰۲۱ / ۱۸ شهریور ۱۴۰۰

کرده و پس از آن، رویکرد خود را تغییر داده و طالبان را به عنوان «دولت موقت» معرفی کرده است. در مقابل، روسیه در همان نشست چهارم سال ۲۰۲۱ نیز از لفظ «موقت» برای طالبان بهره برده و در نشست هفتم همان سال، آنان را «دولت سرپرست» و «حاکمان جدید» خطاب کرده است. این روند نشان‌دهنده مسیر تدریجی ارتقاء جایگاه طالبان در سخنرانی‌های رسمی تا شناسایی رسمی آنها در سال ۲۰۲۵ است. مقایسه مواضع دو کشور، به وضوح تفاوت سیاست‌های هر دو طرف را در قبال به رسمیت شناختن طالبان نمایان می‌سازد؛ هر چند هر دو کشور ورود افغانستان به دوره‌ی جدید را پذیرفته‌اند اما چین با رویکردی محافظه‌کارانه و محتاطانه، از پذیرش کامل طالبان اجتناب کرده، در حالی که روسیه با گام‌های آهسته اما واقع‌گرایانه‌تر، به تدریج به سمت شناسایی طالبان پیش رفته است.

آماده‌ی همکاری یا نیازمند راهنمایی (مولفه اول): مضامین مطرح شده، بیانگر تلاش هم‌زمان دو قدرت بزرگ روسیه و چین در جهت پیشبرد تعاملات با حاکمان موقت یا جدید افغانستان است. هر دو کشور ضمن فراخواندن جامعه بین‌المللی و مقامات افغانستان به همکاری، پروژه‌های مشترکی را تعریف و اجرا کرده‌اند که نشان از اراده سیاسی و دیپلماتیک قابل توجهی دارد. البته تفاوت نگرش این دو کشور در مواجهه با طالبان کاملاً آشکار و قابل توجه است. روس‌ها از همان نشست اول بر توانایی طالبان در تأمین امنیت تأکید داشتند و همکاری با این گروه را بر همین اساس مورد توجه قرار دادند؛ حتی در نشست ششم، به صراحت آمادگی دولت سرپرست طالبان را برای همکاری و تعامل اعلام کردند. در مقابل، چینی‌ها رویکردی حرفه‌ای و محتاطانه‌تر دارند؛ آن‌ها تازه به قدرت رسیدن طالبان را فرصتی برای راهنمایی و همراهی در مسیر پیشرفت می‌دانند و بر لزوم تعامل مستمر و حمایت از فرآیند توسعه و ثبات تأکید می‌کنند. به عبارتی، روس‌ها بیشتر بر جنبه عملی و شاید کوتاه‌مدت همکاری تمرکز دارند، در حالی که چینی‌ها رویکردی تدریجی و سلسله‌مراتبی اتخاذ کرده‌اند.

جدول شماره ۲: مضامین پرتکرار مولفه اول

وضعیت	مضمون پرتکرار	کشور	نشست‌ها
مشترک	مقامات جدید/دولت موقت/سرپرست	چین و روسیه	نشست ۳، ۴، ۵، ۷، ۹ (چین) و نشست ۴، ۷ (روسیه)
مشترک	حاکمان موقت/موقت	چین و روسیه	نشست ۵، ۸ (چین) و نشست ۴ (روسیه)
غیرمشترک	تأکید بر همکاری/تعامل عملی و نقش طالبان در امنیت و ثبات منطقه (برقرارکننده نظم و امنیت/قابل اعتماد در تامین امنیت/آماده همکاری عملی/قدرت‌مند و باثبات)	روسیه	نشست ۱، ۶، ۸
غیرمشترک	حاکمان/مقامات دوفاکتو	روسیه	نشست ۸، ۹
غیرمشترک	نیازمند راهنمایی، تلاش‌گر و پیشرفت‌کننده، نیازمند به تعامل	چین	نشست ۳، ۸، ۱۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در بررسی مضامین مولفه دوم، مهم‌ترین نکته تأکید بر زمان، فراوانی و تکرار مطالبات عمومی است. برخلاف تصور و تلقی از طالبان که حتی در میان چین و روسیه تفاوت قابل توجهی وجود دارد، کشورهای مختلف در حوزه حکمرانی عمدتاً مطالبات مشابهی از طالبان داشته‌اند و اختلافات بیشتر مربوط به مصادیق خاص یا درجه اهمیت آنها برای هر دولت بوده است. مضامین اصلی مطالبات از طالبان در چهار محور کلیدی و با اهمیت شکل گرفته است: تضمین حقوق اساسی زنان، کودکان و اقلیت‌ها که به دلیل سیاست‌های محدودکننده طالبان دغدغه اصلی است؛ تقویت ساختارهای فراگیر در نظام حکمرانی برای حفظ انسجام ملی و ثبات سیاسی داخلی؛ مبارزه جدی و مؤثر با تروریسم که تهدیدی مستقیم برای امنیت داخلی و ثبات منطقه‌ای به شمار می‌رود؛ و مقابله با قاچاق و تجارت مواد مخدر که به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی بی‌ثباتی، مورد توجه جدی عمده کشورها قرار دارد که صرفاً به دو مضمون حقوق زنان و مبارزه با تروریسم پرداخته می‌شود.

در مقوله حقوق زنان، نماینده روسیه تنها سه بار تعداد دفعات کمتری به این موضوع اشاره داشته است. در مقایسه با پنج بار نماینده چین. همچنین نماینده چین تا نشست دهم به طور

مداوم به این مسأله پرداخته، در حالی که نماینده روسیه از نشست هشتم، که نخستین نشست سال ۲۰۲۵ بوده، دیگر اشاره‌ای به حقوق زنان نکرده است. تفاوت قابل توجه دیگر در نوع واژگانی است که هر دو کشور به کار برده‌اند: چینی‌ها از عبارت «حقوق و آزادی‌های برابر برای زنان» استفاده کرده‌اند، اما روس‌ها معمولاً بدون افزودن صفات، به «حقوق و آزادی‌ها» اشاره کرده‌اند و در مواردی نیز آن را با تعبیری مانند «حقوق اساسی» یا «حقوق پایه» ذکر کرده‌اند. این تفاوت‌ها علاوه بر تعداد اشاره، نشان‌دهنده رویکرد متفاوت دو کشور در بیان و تأکید بر موضوع حقوق زنان است؛ چین بر برابری تأکید دارد و روسیه به جنبه‌های پایه‌ای و اساسی حقوق اشاره می‌کند. از سوی دیگر، استمرار توجه چین به این موضوع تا نشست دهم نشان‌دهنده اولویت‌بندی مداوم آن‌هاست، در حالی که روسیه پس از نشست هشتم کمتر به آن پرداخته می‌تواند بیانگر تغییر در رویکرد یا اولویت‌های نمایندگی این کشور در مجامع بین‌المللی باشد. به طور کلی، این دو تفاوت هم در تعداد و هم در نوع بیان، می‌تواند بازتابی از سیاست‌ها و چارچوب‌های فکری متفاوت چین و روسیه در زمینه حقوق زنان در سطح جهانی باشد.

با توجه به تحلیل مضامین استخراج‌شده، می‌توان دلیل مواضع تند برخی فعالان حقوق زنان نسبت به اعلام به رسمیت شناختن طالبان توسط روسیه را به خوبی فهم کرد. این دسته از فعالان که با توجه به فضای حاکم بر افغانستان، خارج از کشور به سر می‌برند و سیاست‌های طالبان را آپارتاید جنسیتی معرفی می‌کنند، معتقدند: «تصمیم روسیه که در شرایطی اتخاذ شده که زنان افغان همچنان از حق آموزش، کار و آزادی رفت‌وآمد محروم‌اند، نشان می‌دهد منافع ژئوپلیتیکی بر حقوق اساسی زنان و امیدهای پایدار آن‌ها برای ایفای نقشی فعال در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورشان ارجحیت داشته است. در واقع، به رسمیت شناختن توسط روسیه که فاقد مشروعیت داخلی است به طالبان مشروعیت بین‌المللی می‌دهد که هر صدایی را که آزادی و حقوق طلب می‌کند، خاموش می‌کند.» (Ziayee, 2025). به رسمیت شناختن طالبان توسط روسیه، به‌وضوح نمایانگر تعارض یا حداقل عدول از مواضع قبلی این کشور است؛ چرا که پیش‌تر کرملین تأکید کرده بود طالبان همان‌گونه که در مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر پیشرفت کرده‌اند، باید مسائل حقوق زنان را حل نمایند و دولت فراگیری تشکیل دهند تا به رسمیت شناخته شوند (Gul, 2023).

برخلاف روسیه، اخبار و مواضع اخیر، تغییر رویکرد علنی‌ای را در این زمینه از چینی‌ها نشان نمی‌دهد. آن‌ها کماکان به بند دوم سند رسمی موضع خود در قبال مسئله افغانستان -

که توسط وزارت خارجه جمهوری خلق در سال ۲۰۲۳ منتشر شده است – پایبند هستند؛ در آن بند، اعلام امیدواری شده که دولت موقت افغانستان از حقوق و منافع اساسی زنان، کودکان و تمام گروه‌های قومی محافظت کند (China's MFA, 2023).

فعالیت‌های تروریستی و قاچاق از خاک افغانستان، نگرانی و به تبع مبارزه با آن مطالبه مشترک هر دو کشور است. با در نظر گرفتن توضیحات مقدماتی این اثر، اهمیت مقوله تروریسم و نظرات مشابه کاملاً روشن است و تنها نکته تفاوت، میزان استفاده و همچنین مقاطع زمانی تکرار مطالبه می‌باشد. جدول ۲ نشان می‌دهد که نماینده پکن تقریباً در تمامی نشست‌ها خواستار مبارزه با تروریسم و قاچاق مواد مخدر توسط طالبان بوده، در حالی که نمایندگان روسیه فقط در سه نشست چنین نگرانی و مطالبه‌ای را اعلام کرده‌اند. اگرچه در سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ روس‌ها ضربات مستقیم بیشتری از فعالیت‌های تروریستی مانند حمله به تالار کروکوس سیتی^۱ متحمل شده‌اند، اما بعد جغرافیایی و اهمیت محدود به فعالیت‌های مخرب خارج از قلمرو روسیه، اقدامات کمتری را از طالبان طلب می‌کند و پیشرفت حتی اندک در این امور، گام مهمی در برآورده کردن خواسته‌های مسکو از طالبان است؛ مضافاً اینکه خود این حملات و همچنین در مقابل آن واکنش‌ها و عملیات‌های ضد تروریستی به نزدیکی مقامات دو کشور می‌انجامد (RFE/RL's Radio Azadi, 2024). مبارزه با تروریسم، بر اساس دیدگاه چینی به سهولت نگاه روسی نیست؛ چرا که پکن عملاً با سه دسته گروه یا سازمان مسلح – داعش خراسان، طالبان پاکستان و جنبش اسلامی ترکستان شرقی – مواجه است که به تنهایی یک معادله سه مجهولی می‌باشد و راهکارهای بسیط پاسخگو نخواهد بود، و ابراز نگرانی‌های بیشتر چین را باید در این بستر تحلیل کرد. چین، برخلاف روسیه که سرریز عمده‌ای از فعالیت‌های تروریستی را در آسیای مرکزی مشاهده نمی‌کند و فقط شاهد تنش‌های مقطعی مرزبانی افغانستان با تاجیکستان بوده است، از ناحیه حملات مسلحانه در پاکستان به شدت آسیب‌پذیر بوده است (Fahad Khan, 2025).

در مضامین مولفه دوم، مطالبات از طالبان، در مجموع فقط یک دسته مضمون پرتکرار غیرمشترک در میان نطق‌های نمایندگان روسیه و چین در نشست‌های شورای امنیت دیده می‌شود. در جدول ۲، بدون ذکر عبارتی جامع و خلاصه‌کننده، صرفاً تمام آنچه که در متن نطق‌ها مشاهده می‌شد، درج شده است. حفظ ثبات داخلی و بازسازی ساختارها، به‌ویژه اقتصادی، مطالبه‌ای متمایز از سوی چینی‌هاست که در نطق‌های روسی تا این حد مورد تأکید قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد ثبات سیاسی و تعادل پایدار در افغانستان، لازمه‌ای

۱. عملیات تروریستی سالن کنسرت «کروکوس سیتی هال» در شهر کراسنوگورسک در حومه مسکو، ۱۴۹ کشته و ده‌ها زخمی بر جای گذاشت.

غیرمستقیم برای رویکردهای کلان منطقه‌ای و جهانی چین به شمار رود. بر همین اساس و با تکیه بر اصل عدم مداخله^۱ در سیاست خارجی چین، آنان هرگونه مدل تحمیلی را رد کرده و صرفاً به دنبال حاکمیت و تثبیت نظام سیاسی فراگیر هستند که از بی‌ثباتی و تغییرات گسترده سیاسی جلوگیری کند (Guo, 2017, pp. 25–30).

مضامین استخراج‌شده به‌خوبی نشان می‌دهند که روس‌ها بیش از هر چیز، از طالبان همکاری عملی و ملموس طلب می‌کنند؛ به عبارت دیگر، آنها تمایل به مشارکت فعال در پرونده‌های مشترک دارند، مانند مبارزه با تروریسم، کنترل قاچاق مواد مخدر، یا مدیریت مسائل امنیتی منطقه‌ای. در واقع، در حالی که چینی‌ها و آمریکایی‌ها به دنبال تحقق و اجرایی شدن انتظارات خود در درون افغانستان بوده و یا هستند، کرملین بر حفظ خط تماس و همکاری مداوم بر سر مسائل مشترک تمرکز دارد؛ رویکردی عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه که ثبات را بدون ایجاد تغییرات ساختاری عمیق و از طریق تعاملات دوجانبه تضمین می‌کند. به نظر می‌رسد برای روسیه، مسائل داخلی افغانستان از اهمیت نسبتاً کمتری در مقایسه با مسائل خارجی یا منطقه‌ای برخوردار است و این در حالی است که رویکرد چین بر بازسازی داخلی و ثبات اقتصادی تأکید دارد. رویکرد روسیه عمدتاً بر این تمرکز دارد که از حاکمان افغانستان چه انتظاری داشته باشیم و چگونه همکاری‌های عملی را در حوزه‌های امنیتی و ضدتروریسم افزایش دهیم، نه اینکه ساختارهای داخلی افغانستان را تغییر دهیم یا چگونگی این ساختارها را تعیین کنیم؛ این دیدگاه عمل‌گرایانه، روسیه را به عنوان یک بازیگر واقع‌بینانه در صحنه منطقه‌ای تثبیت می‌کند و اولویتش را بر حفظ منافع ژئوپلیتیکی خود از طریق تعاملات مستقیم قرار می‌دهد.

تاکنون، با تحلیل مضامین استخراج‌شده، به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های رویکرد هر کشور در دو مولفه اصلی (الف: تلقی از طالبان ب: مطالبات از طالبان) پرداخته‌ایم. در بخش پایانی، با نگاهی کلان که از یافته‌های مقاله حاضر نشأت گرفته، بر اساس نطق‌های گردآوری‌شده شورای امنیت سازمان ملل متحد، به سه سؤال – چین و روسیه چگونه به طالبان می‌نگرند و از آن‌ها چه می‌خواهند و هر یک از دو کشور در این دو زمینه چه تفاوتی با یکدیگر دارند – پاسخ‌های فشرده و مختصری داده می‌شود.

¹. Non-Interference

جدول شماره ۳: مضامین پرتکرار مولفه دوم

وضعیت	مضمون پرتکرار	کشور	نشست‌ها
مشترک	دولت (ساختار) واقعاً فراگیر/حفظ جهت‌گیری فراگیر	چین و روسیه	نشست ۱، ۴، ۵، ۶ (چین) و نشست ۴، ۶، ۸، ۱۰ (روسیه)
مشترک	تضمین حقوق زنان و کودکان/اقلیت‌ها/حقوق اساسی بشر/آزادی‌ها	چین و روسیه	نشست ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰ (چین) و نشست ۴، ۶، ۸ (روسیه)
مشترک	مبارزه/ریشه‌کنی/تقویت اقدامات ضد تروریسم و مواد مخدر (حل مشکل تولید و قاچاق)	چین و روسیه	نشست ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰ (چین) و نشست ۴، ۶، ۱۰ (روسیه)
مشترک	پرهیز از خشونت/مشارکت در صلح	چین و روسیه	نشست ۲ (چین و روسیه)
مشترک	مشروط کردن همکاری/روابط به ارتباط نداشتن با گروه‌های تروریستی	چین و روسیه	نشست ۱ (روسیه)، نشست ۲ (چین و روسیه)
غیرمشترک	تأکید بر ثبات دولت/عملکرد نهادهای/امنیت و بازسازی اقتصادی (حفظ کارکرد عادی دولت/حفظ نهادهای حکومتی و ثبات/رسیدگی به مسائل اقتصادی و بازسازی/حفظ عملکرد عادی نهادهای/حفظ امنیت و ثبات/ترویج بهبود و بازسازی)	چین	نشست ۳، ۷
غیرمشترک	تأکید بر ضرورت اصلاحات داخلی و تعامل خارجی (اجرای سیاست داخلی میان‌رو و خارجی دوستانه/نشان دادن آمادگی برای همکاری/حفظ همکاری عمل‌گرایانه با یوناما)	روسیه	نشست ۶، ۷، ۹

منبع: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هر یک از این دو کشور چین و روسیه، شناخت، نگرش و مطالباتی متمایز نسبت به طالبان داشته‌اند؛ مؤلفه‌هایی که گرچه در برخی موارد همپوشانی دارند، اما در موارد دیگر کاملاً متفاوت‌اند. افزون بر این، همان‌گونه که در مقدمه به تحول سیاست‌های این دو کشور بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱ اشاره شد، بررسی مضامین حاکی از آن است که در دوران پس از سقوط کابل نیز رویکرد آن‌ها دچار چرخش و دگرگونی شده و یا دست‌کم اولویت‌هایشان در میان گزینه‌های موجود، تغییر یافته است. اگرچه مسکو و پکن هر دو واقعیت ژئوپلیتیک جدید افغانستان را پذیرفته و فصل نوینی از تعاملات دیپلماتیک را آغاز کرده‌اند، با این حال، تحلیل دقیق مضامین نطق‌ها و نیز عملکرد این دو قدرت، گویای رویکردهایی متمایز است. این تفاوت‌ها را می‌توان در شش محور اصلی صورت‌بندی کرد:

نخست در فرآیند مشروعیت‌بخشی، دو کشور با سرعت‌های متفاوتی حرکت کرده‌اند. فدراسیون روسیه با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه و عمل‌گرا، در سال ۱۴۰۴ از ادبیات «دولت سرپرست» عبور کرده و به سمت شناسایی «دفاکتو» گام برداشته است. در مقابل، جمهوری خلق چین با سیاستی محافظه‌کارانه و مبتنی بر احتیاط استراتژیک، صرفاً به تغییر واژگان از «حاکمان جدید» به «دولت موقت» اکتفا نموده و همچنان از شناسایی حقوقی کامل امتناع می‌ورزد. دومین تفاوت در ماهیت تعاملات نهفته است. مسکو با نگاهی امنیت‌محور، طالبان را بازیگری «آماده‌ی همکاری» می‌پندارد و بر همگرایی‌های عملیاتی و کوتاه‌مدت تمرکز دارد. در سوی دیگر، پکن با نگاهی سلسله‌مراتبی و ارشادی، حاکمان کابل را «نیازمند راهنمایی» تلقی کرده و بر ضرورت جامعه‌پذیری تدریجی آنان در مسیر توسعه و ثبات تأکید می‌ورزد.

در حوزه هنجاری و حقوق زنان، اگرچه اشتراکاتی در اصول کلی وجود دارد، اما اولویت‌بندی‌ها متفاوت است. چین تا نشست‌های اخیر بر «حقوق و آزادی‌های برابر» تأکید مستمر داشته و ثبات رویه خود را حفظ کرده است؛ امری که فضایی بالقوه برای کنشگری سازمان‌های حقوق بشری فراهم می‌آورد تا از ظرفیت پکن به عنوان اهرمی جایگزین برای فشارهای بی‌نتیجه غربی استفاده کنند. در مقابل، روسیه از سال ۲۰۲۵ با اتخاذ رویکردی تقلیل‌گرایانه و بسنده کردن به «حقوق پایه»، آشکارا ملاحظات ژئوپلیتیک و تسریع در شناسایی دفاکتو را بر استانداردهای حقوق بشری اولویت داده است؛ چرخشی که به مثابه‌ی مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های محدودکننده طالبان تعبیر شده است.

در بُعد/امنیتی، ادراک تهدید دو کشور متمایز است. چین به دلیل مواجهه با تهدیدات چندوجهی (داعش خراسان، طالبان پاکستان و جنبش ترکستان شرقی) و منافع گسترده در پاکستان، رویکردی مطالبه‌گرانه دارد. اما روسیه با تمرکز بر امنیت مرزهای آسیای مرکزی، مبارزه با تروریسم را نه یک چالش وجودی، بلکه بستری برای همکاری سیاسی با کابل تعریف می‌کند. این تفاوت ادراک به مفهوم ثبات نیز تسری می‌یابد؛ پکن با درکی تاریخی از افغانستان، از مداخله مستقیم پرهیز می‌کند اما ثبات سیاسی درون‌زا و بازسازی اقتصادی را پیش‌نیاز راهبردهای کلان منطقه‌ای خود می‌داند. در مقابل، مسکو بدون حساسیت بر ساختار حکمرانی داخلی یا اقتصاد افغانستان، صرفاً بر حفظ کانال‌های ارتباطی امنیتی متمرکز است.

در نهایت، عدم تقارن در ابزارهای تعامل و انگیزه‌های بنیادین، تفاوت چشمگیری در ماهیت روابط ایجاد کرده است. در حالی که روسیه عمدتاً به ابزار سیاسی «مشروعیت‌بخشی» محدود است و فاقد اهرم‌های اقتصادی جذاب است، چین از سبد متنوعی شامل حمایت اقتصادی، سرمایه‌گذاری زیرساختی و فناوری بهره می‌برد که طالبان برای بقا به شدت به آن نیازمند است. با این حال، نباید پنداشت که این ابزارهای اقتصادی صرفاً با هدف انتفاع تجاری فوری به کار گرفته می‌شوند؛ بلکه متغیر مستقل در محاسبات پکن، کارکرد امنیتی کابل است. در واقع، علیرغم تمایل تاریخی چین به منابع معدنی و طبیعی افغانستان، به نظر می‌رسد انگیزه اصلی در روابط جمهوری خلق چین با حاکمان جدید، نه یک شراکت تجاری سطح بالا و دوجانبه، بلکه توانایی آنان در کنترل مؤثر گروه‌های مسلح و تروریستی است؛ این کنترل، زمینه‌ای امن را برای پیشبرد اهداف اقتصادی و استراتژیک چین فراهم می‌کند (van Wieringen & Claustre, 2023, p. 4).

طی بیست سال گذشته، پکن به عنوان ناظری فعال، ناکارآمدی پارادایم غربی در افغانستان را مشاهده کرد و دریافت که چگونه پروژه آمریکا با وجود برتری مطلق نظامی و اقتصادی، در دام تلاش برای استقرار حکمرانی متمرکز در بستری قبیله‌ای و متکثر گرفتار شد. این تجربه تاریخی اثبات کرد که خطای واشنگتن در یکسان‌پنداری طالبان با القاعده و اصرار بر مهندسی برون‌زا، نه تنها ثبات نیافرید، بلکه رژیم ناکارآمد و آغشته به فساد سیستماتیک را بر جای گذاشت (Zhumatay, 2025, pp. 261–262). با فهم دقیق این آسیب‌ها، چین مسیر متفاوتی را ترسیم کرده است که در آن خبری از تکرار اشتباهات ساختاری غرب نیست. بر این اساس، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استراتژی نوین چین، جایگزینی الگوی پرهزینه ملت‌سازی^۱

^۱. Nation-Building

با رویکرد عمل‌گرایانه صلح‌سازی^۱ است که بر واقعیات میدانی و عدم مداخله در ساختار سیاسی متمرکز است. در موازات با رویکرد پکن، برای مفهوم‌پردازی و تبیین ماهیت اقدامات روسیه در قبال طالبان، می‌توان از مفهوم ابداعی «واقع‌گرایی حداقلی» بهره جست. مضامین استخراج‌شده از این پژوهش تأیید می‌کنند که مسکو با اتخاذ نگاهی کاملاً پراگماتیک و با عبور از ایده‌آل‌های هنجاری، سطح تعاملات خود را به همکاری‌های پروژه‌محور، محدود و کوتاه‌مدت تقلیل داده است. به نظر می‌رسد این الگوی رفتاری، نه یک تاکتیک منحصر به کابل، بلکه دکترینی غالب بر سیاست خارجی کرملین باشد که در سایر کانون‌های بحران در سطح جهانی نیز قابل ردیابی است.

منابع و مآخذ

فارسی:

- تاجیک، ه.؛ بغیری، ع.؛ هاشمی، س. ا. (۱۴۰۳). «مطالعه تطبیقی سیاست خارجی چین و روسیه در افغانستان پساجمهوریت (۲۰۲۱-۲۰۲۴)». سومین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری. <https://civilica.com/doc/2095456>
- داودی، م.؛ کیانی، د. (۱۴۰۳). «روسیه و افغانستان پس از ظهور طالبان». سیاست جهانی، ۱۳(۲)، ۷-۲۹. <https://doi.org/10.22124/wp.2023.22888.3066>
- داودی، م.؛ کیانی، د.؛ برزگر، ک. (۱۴۰۱). «سیاست خارجی روسیه در قبال طالبان افغانستان». مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸(۲)، ۴۹۲-۵۰۷. <https://irijournals.ir/journals/05-Political-sciences/v8-i2-summer01/paper27.pdf>
- سجادی، س. ا.؛ مومنی، م. (۱۴۰۳). «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی چین در قبال امارت اسلامی افغانستان». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۲(۱۲۶). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2253510>
- مروتی، س.؛ احمدی، ح.؛ ذاکریان، م. (۱۴۰۱). «روابط افغانستان و چین: تغییر به سمت شراکت استراتژیک». مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱۲(۱۲). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1964826>
- مشعل، م. (۱۴۰۱، ۲۹ فروردین). «افغانستان پسا خروج؛ هدیه ژئوپلیتیکی به روسیه و چین». مطالعات شرق. <https://ccr.atu.ac.ir/fa/news/17696>
- منوری، س. ع.؛ کشوریان‌آزاد، م.؛ صداقتی، م. (۱۴۰۱). «راهبرد چین برای گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا». روابط خارجی، ۵۴(۵۴). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1978280>

¹. Peace-Making

انگلیسی:

- Afghanistan Study Group. (2021, February). *Afghanistan study group final report: A pathway for peace in Afghanistan*. United States Institute of Peace.
<https://www.usip.org/publications/2021/02/afghanistan-study-group-final-report-pathway-peace-afghanistan>
- Bartosiewicz, M. (2025, July 7). "A 'new' opening: Russia officially recognises the Taliban regime". *OSW Centre for Eastern Studies*.
<https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/analyses/2025-07-07/a-new-opening-russia-officially-recognises-taliban-regime>
- Basit, A. (2025, October 22). "The BLA becomes South Asia's most effective insurgent group". *Terrorism Monitor*, 23(7). Jamestown Foundation.
<https://jamestown.org/program/the-bla-becomes-south-asias-most-effective-insurgent-group/>
- Biden, J. (2021, April 14). *Remarks by President Biden on the way forward in Afghanistan* [Speech transcript]. The White House. <https://www.whitehouse.gov/briefing-room/speeches-remarks/2021/04/14/remarks-by-president-biden-on-the-way-forward-in-afghanistan/>
- Council on Foreign Relations. (2022). *Timeline: The U.S. war in Afghanistan*.
<https://www.cfr.org/timeline/us-war-afghanistan>
- CPIC Global. (n.d.). *CPEC map*. <https://www.cpicglobal.com/cpec-map>
- Ehsan, M. R.; Seerat, R. A. (2023). *Navigating Afghanistan-China engagement amidst challenges and opportunities*. Friedrich Naumann Foundation for Freedom.
https://shop.freiheit.org/download/P2@1661/807760/ChinaPaper-AFG_03.pdf
- Fahad Khan, M. T. (2025, April 2). "Afghanistan under the Taliban: Contrasting the regional strategies of Pakistan and Central Asia". *Valdai Club*.
<https://valdaiclub.com/a/highlights/afghanistan-under-the-taliban-contrasting/>
- Farouk, B. A. [Фарук, Б. А.]. (2022). "Post-Taliban Afghanistan and its relations with Russia" [Постталибский Афганистан и его отношения с Россией]. *Izvestiya Yugo-Zapadnogo gosudarstvennogo universiteta. Seriya: Istoriya i pravo*, 12(3), 128–140.
<https://doi.org/10.21869/2223-1501-2022-12-3-128-140>
- Gul, A. (2023, April 14). "Russia: Respect for women's rights, inclusive government are keys to Taliban recognition". *Voice of America*. <https://www.voanews.com/a/russia-respect-for-women-s-rights-inclusive-government-key-to-taliban-recognition-/7051249.html>
- Guo, Q. (2017). *The principle of non-interference and China's role in international conflict in the new era: China in Sudan and South Sudan, Syria, and Afghanistan* [Master's thesis, Lund University]. LUP Student Papers. <https://lup.lub.lu.se/student-papers/search/publication/8916412>
- Hoge, E. (2025, July 15). "The awkward history of Russia's recent recognition of the Taliban". *Lawfare*. <https://www.lawfaremedia.org/article/the-awkward-history-of-russia-s-recent-recognition-of-the-taliban>
- Iqbal, K.; Shoaib, M.; Bakhsh, S. (2024). "Evolving dynamics of China-Pakistan counter-terrorism cooperation". *Cambridge Review of International Affairs*, 37(3), 373–389.
<https://doi.org/10.1080/18335330.2024.2315137>
- Lodhi, M. (2025, September 15). "New low in Pak-Afghan ties". *Dawn*.
<https://www.dawn.com/news/1942061>

- Ministry of Foreign Affairs of the People's Republic of China. (2023, April 12). *China's position on the Afghan issue*. https://www.fmprc.gov.cn/eng/gjhdq_665435/2675_665437/2676_663356/2677_663358/202304/t20230412_11057785.html
- Muneeb, S.; Usmani, S. (2025, May 19). "Balochistan: CPEC, anti-China sentiment and the way ahead". *LSE South Asia Blog*. <https://blogs.lse.ac.uk/southasia/2025/05/19/balochistan-cpec-anti-china-sentiment-and-the-way-ahead>
- RFE/RL's Radio Azadi. (2024, March 23). "Taliban strongly condemns Moscow concert hall attack". *Radio Free Europe/Radio Liberty*. <https://www.rferl.org/a/afghan-moscow-shooting-crocus-attack-taliban-condemnation/32874357.html>
- Rubin, B. R. (2024, September 23). "Chinese peacemaking efforts in Afghanistan". *Stimson Center*. <https://www.stimson.org/2024/chinese-peacemaking-efforts-in-afghanistan/>
- Rynda, A.; Kozlov, P. [Рында, А., & Козлов, П.]. (2021, August 18). "Will Moscow recognize the Taliban? Key questions for Russia's strategy in Afghanistan" [Признает ли Москва талибов? Главные вопросы к стратегии России в Афганистане]. *BBC Russian Service*. <https://www.bbc.com/russian/features-58247499>
- Sakhi, N. (2021, June 18). "How Russia, China, and Iran will shape Afghanistan's future". *Atlantic Council*. <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/how-russia-china-and-iran-will-shape-afghanistans-future/>
- Siddiqui, S. (2017, April 12). "CPEC investment pushed from \$55b to \$62b". *The Express Tribune*. <https://tribune.com.pk/story/1381733/cpec-investment-pushed-55b-62b/>
- Standish, R. (2021, October 5). "Taliban 'removing' Uyghur militants from Afghanistan's border with China". *Radio Free Europe/Radio Liberty*. <https://www.rferl.org/a/taliban-uyghur-militants-afghan-china/31494094.html>
- Stepanova, E. (2021, November 22). *Russia's approach to Afghanistan following the Taliban takeover* (PONARS Eurasia Policy Memo No. 724). PONARS Eurasia. <https://www.ponarseurasia.org/russias-approach-to-afghanistan-following-the-taliban-takeover/>
- United Nations Security Council. (2025c, June 23). *Security Council, 80th year: 9942nd meeting, Monday, 23 June 2025, New York* (S/PV.9942). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/4085103?ln=en>
- (2025b, March 17). *Security Council, 80th year: 9880th meeting, Monday, 17 March 2025, New York* (S/PV.9880). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/4079147?ln=en>
- (2025a, March 10). *Security Council, 80th year: 9875th meeting, Monday, 10 March 2025, New York* (S/PV.9875). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/4078968?ln=en>
- (2021g, December 22). *Threats to international peace and security caused by terrorist acts* (S/PV.8941). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3952193?ln=en>
- (2021f, November 17). *The situation in Afghanistan* (S/PV.8908). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3949049?ln=en>
- (2021e, September 17). *The situation in Afghanistan* (S/PV.8862). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3941375?ln=en>
- (2021d, September 9). *The situation in Afghanistan* (S/PV.8853). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3940093?ln=en>

- (2021c, August 30). *The situation in Afghanistan* (S/PV.8848). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3938185?ln=en>
- (2021b, August 19). *Threats to international peace and security caused by terrorist acts* (S/PV.8839). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3937015?ln=en>
- (2021a, August 16). *The situation in Afghanistan* (S/PV.8834). United Nations Digital Library. <https://digitallibrary.un.org/record/3936536?ln=en>
- van Wieringen, K.; Claustre, J. (2023). *Future of Sino-Afghan relations: Impacts on EU interests and strategic autonomy* (PE 747.434). Policy Foresight Unit, European Parliamentary Research Service. [https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2023/747434/EPRS_BRI\(2023\)747434_EN.pdf](https://www.europarl.europa.eu/RegData/etudes/BRIE/2023/747434/EPRS_BRI(2023)747434_EN.pdf)
- Weitz, R. (2022). "Russia and Afghanistan: Between fear and opportunity". *Russian Analytical Digest*, 279, 2-4. <https://doi.org/10.3929/ethz-b-000536465>
- Zhou, X. (2011, October 4). "Factbox: Relations between Afghanistan and China". *Reuters*. <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-china-fb-idUSTRE79325D20111004/>
- Zhumatay, G. (2025). "The US nation-building and democratization efforts in Afghanistan in 2001–2021". *Eurasian Research Journal*, 7(3), 251–266. <https://doi.org/10.53277/2519-2442-2025.3-01>
- Ziayee, M. (2025, July 11). "What Russia's embrace of the Taliban means for Afghan women and the world". *The Diplomat*. <https://thediplomat.com/2025/07/what-russias-embrace-of-the-taliban-means-for-afghan-women-and-the-world>.